

پیام کارگر



سال چهارم نیمه اول تیر ۱۳۶۹

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

فاجعه زلزله در ایران

فلاکتی بی مانند را، شب و روز، چون یک کابوس هول انگیز بالای سر خود لمس میکنند. این یک چنین شرایطی، میتوان حس کرد که دهن گشودن زمین و تخریب ساختن - نهایی - بهره از کوچکترین ضوابط ایمنی ضد زلزله، را میتواند بیار آورد. در همه حال، موانعهای طبیعی، البته نتایج شومی به دنبال دارند، ولی در ایران امروز، زلزله های به شدت ۷/۲ ریشتر، با آن ساختمانهای بی بنیاد، تحت حاکمیتی چنین تبه گار، ابعاد فاجعه را بسیار غم انگیز و امکان ترسیم خرابیها، منادای مجروحان و کتک رسانی به مردمی که همه هستیشان را از دست داده اند، بسیار ناچیزتر میکند. واکش های اولیه زیاده میزان تلفات را اندک اعلام میکند. افکار عمومی در ایران و جهان راز دامنه وسیع خرابیها و تلفات انسانی، در غفلت و ننگاهی نگه میدارد، خود گویای بسیار چیزها ست و اول از همه آنکجان آملی در ایران هیچ بهایی ندارد. «ساحه شوپرا، آزمون الهی تلقی کردند، بشنایان به یک سطح ملی و بین المللی را برای کتک به آسیب دیدگان، از دستور وظایف مردم خارج میسازد. و آنچه که بتدریج و ناگزیر، ارتقا تلفات را با حدود تقریبی اعلام میکند، در پیشرو سازماندهی کتک از داخل و خارج، تعلل و سستی میکند و بیش از آن، زلزله، خود زمینه اوج گیری تلاش تازمتری برای درگیری جناحهای متخاصم میگردد. جناح حزب الله برای آنکه دست رئیس جمهوری و جناح مخالف را در پوست گردو بگذارد، ایران و مردم صمیمت

بقیه در صفحه ۲

و امکان کتک مستقیم به آسیب دیدگان این واقعه را نداریم، با تاسفی جز ناگزیرتر و اندوهی تلخ تر همرانست. بویژه آنکه، این فاجعه سرزمینی رخ داده است که مردم آن طی ۱۲ سال اخیر، تحت سلطه رژیمی جناب و سفاک و مرتجع همه هست و نیستشان به بیضا رفته و گروه گروه از فرزندان شان یا در جنگی تباوه آمیز خسوار کشته و معلول شده و یا به جوخه های اعلام سپرده شدند. و آنها که هنوز رمقی در جان دارند سایه شوم ففسرو

بازتابها و وظایف ما

رویداد غم انگیز زلزله در شمال و شمال غربی ایران که از نظر شدت و گستره در صد سال اخیر در کشور ما بی سابقه بوده و صدمات و تلفات جانی و مالی وسیعی به بار آورده است، برای ما که در خارج از کشور میزیسیم



زلزله زردگان را یاری کنیم

ایرانیان خارج از کشور
درتلاش برای یاری به زلزله زدگان

گیلان و زنجان دچار خشم طبیعت شدند. این مناطق زرخیز و آباد کشور که از صدمات جنگ ویرانگر فقها کترین آسیب رانیده در زمره مناطق تا مین کشنده نیازهای کشور بودند، در هم کوبیده شدند و این برای مملکتی که در فلکات واقعی بسر میرسد جریان ناپذیر است. اما بیش از آن، چه چیزی میتواند از دست دادن عزیزان مردم زخمکنی این مناطق را جبران کند. همدردی و یاری ما شاید مرحم ناچیزی باشد در زخمهای عمیق این مردم یلادیده.

در صفحه ۳ بخشی از اقدامات انجام شده توسط ایرانیان مقیم خارج کشور و نیروهای مترقی و انسان دوست خارجی را در کتک به هموطنان زلزله زده ملاحظه می کنید.



چند دهه مبارزه

گفتگویی رودر رو با رضامرزبان

(قسمت سوم) در صفحه ۶

در این شماره

در چرخم و خم جنبشهای سیاسی

از لویونددیلماتیک در صفحه ۱۲

تظاهرات زنان آلمانی در بن

یادای از میرزاده عشقی در صفحه ۹

"مهرداد کوکی" کیست در صفحه ۵

در صفحه ۱۱

فاجعه زلزله ...

اداما زلزله ۱

— زده مناطق زلزله زده را بنیاد ساز کلبین المللی نشان میدهد تا به باور ایرانی بیشتر و مرگ و فلاکت بیشتر راه هر گونه نماند را بر روی دولت بندگان بندد برای آنکه، ماما اخذ کلک از خارج، زمینه ساز نزدیکی با برخی از دولت های غربی گردد، روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان جنگ و دندان نشان می دهند، روزنامه جمهوری اسلامی می نویسد، مردم بلادیدگان زیر آوار فریاد مرگ بر سر امپریالیسم سرخوفاوند داد، روزنامه کیهان همدلی دولتهای غربی را لشک تصاح ریختن، قلنداد می کنند برای یزگان خاخری که به تصحدهای مجروحان اعلام آبادگی برای سرخ به ایران میکند، سخت گیری میشود و به خونهای اهدایی به بهانه اینکه آلوده به میکرب "ایزد" است، نه میگویند، و به سگهای تجسس برای نجات مردم زنده در زیر آوار انگ، نمسی زده میشود، در مقابل رقتناجی، که نیت حریف را دریافت است، خطاب به آنها میگوید: آنها که در خانه های دارای کولر زندگی میکنند و شاعرهای بی محتوا داده و ما را بی نیاز از کلهای بین المللی نشان میدهند "جمهوری کلهای هستند که وزیر میکنند"، روزنامه کیهان انگلیسی، که سخنگوی وزارت امور خارجه است می نویسد: "طبعیات ایران به علت اعمال غیر مسئولانه آزادی بیان، توانستند سراسر جهان را در شمع ایران کندو هنوز این کار دست برداشته و ایران تقریباً از تمام دنیا منزوی شده است"، البته باید نگر آست، که مانند همه موارد دیگر، منافع مردم، لگمالم سمیعت و نبرد قدرت در میان حکومتگران شده است از این رو، افتار عمومی غربیها، با زمینگی که از قبل و به علت سرکوب آزادیها و اعمال نامیاری وسیع در ایران دارند، حساسیت و علاقه فانی قوی توجیه برای یاری به زلزله زده ها از خود نشان نمیدهند، بعنوان یک مثال گویا گفتنی است، که طبق گزارش تلویزیون فرانسه، طی بلیهفته پس از اعلام شماره حساب از طرف صلیب سرخ فرانسه، تنها ۷ نفر به این حساب بانکی پول واریز کردند و مطابق کنیاد، این نوع رغبت مردم کشورهای غربی را با همدلی و همکاری وسیع بین المللی والی آنها که به مردم آسیب دیده از زلزله در ارمنستان شوروی در سال قبل آزار این جهت ضروری است کلهای سازمان ما همه نیروهای دیکرات و آزادیخواه در روشنگری افکار عمومی غربی بگویند و ضمن افشای سیاهی کولر رژیم قفا، و جهان ترقیخواه، مردم را به مساعدت به مردم ایران، در همه زمینها، و بیوسه در وضعیت کوبی در جلب کلهای متنوع به آسیب دیدگان زلزله اخیر، برانگیزند.

امان رابطه با واکنش ایرانیان در خارج از کشور باید گفت، هر چند این واکنش با اندوه نامتخشد همراه بود، ولی بنحیل ضعف سازمانی چنین دفاعی و دیگر کلک خارج و نیز بخاطر تفرقه در صف نیروهای مبارز و انقلابی حضور نگزشتی نظم و یسقا منحرف در مان—خرسی از فعالین سیاسی، یک نهضت قدرتمند که نتواند طسطف وسیع ماحورین را در امر کلهای فعال کند، مانع است یا نگرفت، لیکن در سطح زمین تشکلهای یزاده که شره های مختلف، آنچه که همدست دارند با بار هم محدودتر نمود، فغان یک دید روشن سیاسی در نزد بارهای ازبیرود هاست که منجر به عدم همکاری با این کلمه های اسداد گردید، طست، متلاسموهای وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق فرزانگورت و اساتکهم از سازماندهی یک کلمه اسداد فرآورگرمبار زدهاند، استدلال آنها اینست

پیام کارگر

سال چهارم شماره ۶۹ نیمه اول تیر ۱۳۶۹

Organisation of Revolutionary Workers of Iran
(Rahe Kargar)
DRW



سازمان کارگران انقلابی ایران

۴ آذر ۱۹۹۰
شماره ۱۳۶۹

به آقای خاخر برز و دیگر کوشش
دبیر کل سازمان ملل متحد

عالم جناب

بگفته از جامعه ای که جان دهبها از مرز دیکشورها را گرفت محدود بین بسیاری از جاکفاد دودمه ها از نرفرا بی خانمان گرم نگردد، مردم همسیت زده کشور ما در چنین شرایط سخت و دشوار قابل تحمل احتیاج به یاری و پشتیبانی بین المللی وسیع دارند، متأسفانه طی یک هفته من از جامعه من سازمان کلک و رعایت از جانب کشورهای مختلف مردم سازمانهای مربوطه متناوباً با ما دیدار نمودم، فاجعه همدم است، همش از هر چه ایران امر به دلیل ساحتکارهای رژیم حاکم ایران است که همسایه کشورهای ما را نیز در افکار عمومی بین المللی تشریه و موجبات از یاری کشورهای ما فراهم کرده است، بنابراین امروز سه بدترین شکل مردم همسیت زده را تحت حمایت قرار داده است.

عالم جناب

ما از شما سواخواهی که برای ایران داد به مردم ایران و پیش از آنکه متکون انجام داده اید، در این باره به حالت نماند، مردم کشورهای مختلف سازمانهای اجتماعی و امدادی آنها با حق به دولت ایران اعتماد ندارند و این امر را در کمترین سطح سانس ترمیم کنند، نقش سازمان ملل و بخش خاص عملی در مورد با فتن راههای نظارت بر سرحد کلهای سده است، مردم در دهان تخمیس به مردم سازمانهای کشورهای مختلف در این مورد بسیار کارگزار است، ما مورد بار به کلهای سازمان ملل متحد در این مرحله تحت نظر سانس بین المللی برای حمایت از زلزله زده های ایران و نظارت بر نحوه ارسال این کلهای با اتمام موفقت به انجام برساند.

با احترامات ناخفته

دبیر خاسته سازمان کارگران انقلابی ایران
(راما کارگر)

ارسال کلهای جمع آوری شده نباید از طریق مراجع فیصلح بین المللی به ایران ارسال شود، آنها این امر را یک کله جمهوری اسلامی تلقی میکنند، بجای آن، پیشنهاد می کنند که کلهای مستقیم از طرف خود آنان و از کانالهای یک میزبانند باید صورت گیرد، روشن است که چنین شیوهی از کلهک — رسان یافتن هرگونه تضمینی است، یعنی فاقد آنجنان ضوابط و معیارهای مستقنی است که بتواند طیف وسیعی را به همکاری همیاری جلب کند، چه در اینصورت، هر کس گمان میکند میتواند، با نوبی، با کسانی در ایران، تماس گرفته و کلهای را به آنها ارائه نماید، در این حال زمینه را برای انواع شیعات در اذهان عمومی آماده میکند و این امر به نفع باری رساندن به زلزله زده های نیست، آنها— بی که مایل هستند در این امر انسانی شرکت کنند، در همان حال، دینهمند انتقال درست و بی نقص کلهای نیز هستند، و این امر، جز از طریق مجامع بین المللی مقنن نیست، البته ما مخالف تضمینی لازم از جانب این مجامع، کله کلهای حاصله را خود راساً در ایران بدمت آسیب دیدگان زلزله برسانند، نیستیم، بلکه همه تلاشهای مقنن در این راستا ضروری میباشیم، صورت مضطرب شدت در مانده استدلال ما از آن وابستگان اتحادیه کمونیست است—

عاصری که اگر تا دیروز در اتحادیه نظری و شوریهی ارتقا بی ست و میزبند، امروز از ماس لبرالی، انحصاری چندین آفر خود را از این بیان عرضه میکنند که گویا کلک به زلزله زدگان لااقل در این راه، تفاوتی با کارگرده اموان رژیم اسلامی ندارد، آنها به برخی از فعالین کلمه های امداد، گشتند که لیبی "پادشاهان را" میبوسند، یعنی، حرف آقایان اینست که بگذارید انبوه وسیع آسیب دیدگان همچنان، در گرداب سی سرباهی ورد، درج برینکون در آن صورت، لا، "انقلاب" مورد نظر این رژیم است که میبوسند این صورت این استدلال کسان است که در غرب نیستند بر ملال خاخرین گردوایان باختناوند، از اینها کمدگرم، از طیف

دیگری نیز باید نام ببریم، کلمه که گمار کونی را، محطسی برای چشپردن به جمهوری اسلامی ساختند، آنها کلهای همه آوری شده را به سفارت جمهوری اسلامی سدهند، نیت ایجاب معلوم است، آنها تقاضای تفریق دارند، هر چند هیچگاه به طور جدی در صف فقر نماندهاند، اما تالیف از کسان با ایلا بدیعت است کمر این کلمه ها فاعلند، اما فعالیتها اینگونه تضمینی نمی آستند، در این رابطه بطور مثال باید یاری از کلمه های که در شهر کلن آلمان شکل گرفته نام برد، بنظر ما در رابطه با امر کلهای به مردم زلزله زد ه ایران این نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- سازماندهی کلمه های امداد بدون هرگونه مرز بندی سیاسی وایدولولوژیک، باید تلاش شود که نیروهای خارج نیز در این کلمه ها حضور داشته باشند.
- ۲- کلهای جمع آوری شده باید از طریق مراجع فیصلح بین المللی با نظارت آنها در ایران به مصرف برسد، به هیچ وجه نباید کلهای را مستقیماً در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار داد.
- ۳- حتی انقبوه باید توجه مراجع فیصلح مکتور به این امر جلب شود که از ارائه کلک نقدی خودداری شده و بجای آن وسایل مورد نیاز آسیب دیدگان تحت نظارت این مراجع بین مردم توزیع شود.
- ۴- تقاضای کلک از مردم، باید جنبه رسمی داشته و از طریق صندوقهای مراجع فیصلح بین المللی، مثل صلیب سرخ، و یا از کانال شماره حساب بانکی این مراجع صورت گیرد، از هرگونه تلاش واقتصادی که بمعنای جلب کمک از مردم، توسط سازمانهای سیاسی و افسردا سیاسی باشد، باید پرهیز شود، این امر دامنه کلهای محدود کرده و انواع شیعات را مانع خواهد زد.
- ۵- سازماندهی مراسم فرهنگی و هنری برای دریافت کلک، اینگونه مراسم باید بخوبی برقرار شود، کلمه حریجه را شدن احسانات مردم آسیب دیدم گردد.

زلزله زدگان را یاری کنیم

ایرانیان مقیم سوئد، فرانسه، اتریش

آلمان کمیته‌های امداد به زلزله‌زدگان

ایران را تشکیل داده‌اند.

۱۰ ماهه ازمنجه

كك رساني به زلزله‌زدگان درگوتنبرگ سوئد

بعناز فاجعه جانگاز زلزله گیلان وزجان، تعدادی از ایرانیان متعهد و انساندوست در گوتنبرگ کمیته‌های برای کک‌رسانی به زلزله‌زدگان تشکیل دادند از تصمیمات این کمیته جمع آوری کمک‌های نقدی از ایرانیان و خارجیان و بویژه مردم سوئد بود و برای جلوگیری از شایعات و سوء تفاهات و همینطور جلب اعتماد مردم، کمیته از طریق صندوق‌های صلیب سرخ به جمع آوری پول پرداخت. البته این قابل ذکر است که، صلیب سرخ در مقابل درخواست این کمیته، مبنی بر نظارت در توزیع کمکها، متعهد نشد. اولاً، پول نقد به ایران ندهد، بولها را صرف خرید وسایل مورد نیاز نماید. ثانیاً، به جنبش‌های بی‌رویه آرم صلیب سرخ را نصب نماید. ثالثاً، با نظارت مأمورین این سازمان وسایل توزیع شود. ایرانیان و مردم سوئد موقعی که فهمیدند، ند، کمکهای دریافتی مستقیماً در اختیار رژیم اسلامی قرار نمیگردد، با خوشحالی کمکهای خود را به این کمیته ارائه کردند. پول دریافتی تاکنون توسط اعضای این کمیته ۵۰ هزار کرون بوده است، در جریان اقدامات این کمیته فعالین اتحادیه کمونیستی که با کسرتن دادن فقر و بی‌نواایی دنبال انقلاب هستند به یکی از رفقای ما که عضو این کمیته است، گفتند که "بهتر است بروید و لباسهای پارسای بسازید". ضمناً یکی از فالانتهای مقیم گوتنبرگ نیز با یکی دیگر از رفقای ما به درگیری شدید لفظی پرداخت و تحت واز جمع آوری کمک توسط این کمیته و با ضوابط مطرحه در بالا حدیصابیانی بود.

کمیته دیگری به اسم کمیته یاری رسان به زلزله‌زدگان " نیز در گوتنبرگ تشکیل شد که تقاضای برای کک رسانی و با شرکت بیلی از ۱۵۰ نفر در شهر گوتنبرگ سازماندهی نمود. در پایان این تظاهرات مقاله ای علیه رژیم اسلامی خوانده شد و شمره‌های اخوان ثالث نیز به این مراسم غنای بیشتری بخشید.

اتریش

اتریش - ایرانیان مقیم وین کمیته همبستگی زلزله زدگان را شکل داده و فعالیت خود برای کمک به کمسیون دولتی سازمان امداد - این کمیته درون منطقه شهر وین با برگزاری سر و نمايشگاه ، از طریق صندوق اعانه، اقدام به جمع آوری کمک های مردم شهری کند . نسا ۶ روزه این کمیته موفق به جمع آوری ۲۵ هزار شلینگ شده و قرار می‌گیرد که مراسم فرهنگی گزارده و اقدامات زیادی نیز در جهت جمع آوری دارو انجام داده است.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ، سازمان فدائی ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در باره زلزله اخیر شمال ایران -

ما عمیق تریس و اندوه از مصیبت بزرگی که زلزله اخیر شمال بر قلب های ما نشاند به شما و تماسی خوانواده های درمستی که بهترین عزیزان خود را در این فاجعه از دست داده اند تسلیت میگوئیم . سبز به کشتی نارسد که رخداد دردناک اخیر در کشور مصیبت زده ایران در جامعه ای که خود اسیر فساد مرمی ترین حکومت های خودکامه تاریخ گشته است در کشوری که در آن نه از رفاه، نه آزادی و نه از نشان نشانی هست چنین سوانحی بر مراتب روح آویز و مصیبت بازتر بوده و بزرگ و تساهی در آن ابعاد دشمنست باری بخود میگرد .

پس وظیفه تمامی ماست که با همه قوا به یاری زلزله زدگان بشتابیم ، باید با ایجاد کمیته های امداد در کارخانه ها، دانشگاهها، محلات ، ادارات ، و کلیه مجامع شده ای ابتکار جمع آوری کمکهای مرمی و بخشش مستقیم آنها بعهده بگیریم . باید دست حاکمان فاشیستی را که برای کمکهای بی‌برین مردم کبسه دوخته اند کوتاه ساخت . تجربه زلزله های شیب و بوشین زهره و سوانحی تغییر سیل خوزستان پیش روی ماست گنسه چگونه در آنها کمکهای مستقیم مرمی نقش مؤثر و تعیین کننده ای در یاری به مصیبت زدگان ایفا نرسد . بنابراین کمیته های امداد با اتکا ، به ابتکار عمل مستقیم و مستقل مردم را در هر چه وسیع تر ایجاد نمایم!

ایرانیان مقیم خارج از کشور

امروز جهان از زلزله اخیر ایران به تکان آمده است، همه مردم انسان دوست بانگرانی عمیق از وضع زلزله زدگان ایران میپرسند و خواستار بیشترین کمک رسانی هستند . وظیفه همه ماست که با ایجاد کمیته های امداد در خارج از کشور این کمک ها را جمع آوری نموده و از طریق مجامع بین المللی آنها را مستقیماً به زلزله زدگان ایران برسانیم .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سازمان فدائیس

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

همه مردم ایران و جهان را برای این صیاری و کمک بزرگ فرامیخوانیم

اول تیر ۱۳۶۹

هانوفر آلمان غربی

در هانوفر کمیته ای بنام " کمیته امداد یارندگان برای زلزله زدگان ایران سازمان یافته است . این کمیته بسا انتشار یک بولتن صورخبری و برپایی چاپر تبلیغات در شهر هانوفر تشکیل یک مالی اقدام به جمع آوری کمک های مردم نوع دوست هانوفر کرد .

فرانکفورت آلمان غربی

شهر فرانکفورت کمیته امداد یاران (کمیته ایرانیان مقیم فرانکفورت کله به زلزله زدگان ایران " تشکیل و فعالیت خود را آغاز کرده است . این کمیته با تشکیل سه کمسیون پزشکی، ارتباطات و مالی مشغول جمع آوری کمک شده است . از جمله اقدامات کمیته افتتاح شماره حساب بانکی بنام به نر فوکلای دادگستری شهر است تا نخست نظارت آنها کمک مالی نقدی جمع آوری و از طریق مجامع بین المللی به ایران ارسال شود . در این شهر همچنین به ابتکار کتابخانه اندیشه در ۲۰ روزه یک مراسم فرهنگی جهت جمع آوری کمک برای زلزله زدگان ترتیب می‌یابد .

فرانسه

کمیته امداد ایرانیان برای کمک به زلزله زدگان کشوران باری و همکاری ایرانیان مقیم پاریس شکل گرفته و فعالیت خود برای جمع آوری کمک های نقدی، دارویی و جنسی را آغاز کرده است .

اسن - آلمان غربی

کمیته امداد ایرانیان مقیم اسن برای کمک به زلزله زدگان ، در همکاری نزدیک با کانون یزگان ایرانی مقیم آلمان - اسن اقدام به تهیه یک لیست دارویی جهت ارسال به مناطق زلزله کرده و اقدامات خود را برای جمع آوری دارو آغاز نموده است .

استکهلم - سوئد

در شهر استکهلم فعالیت برای کمک رسانی به زلزله زدگان از جانب محافل و جامع و سازمانهای مختلف ایرانی و خارجی بی گرفته می شود . کمیته میسر کتاب ، جمع آوری کمک راز طریق یک کمسیون مخصوص پیش می برد . در این شهر یک کمیته امداد همکاری رادیوهای مقیم استکهلم، تشکلهای یارندگان و انجمنهای دیگر شکل گرفته و در این جهت اقدام می کند .

همچنین با همکاری واحد سازمان مادرین شهر روفقای سازمان فدائی ، جبهه آزادیبخش ملی فارووندمارتسی (السالوادور) ، جبهه خلق فلسطین و سازمان سوشلیستی (استکهلم) یک فراخوان جهت جمع آوری کمک به زلزله زدگان ایران داده شده و در این جهت کوشش می شود . فعالیتهاى مرمیز گوشه‌های انزلی ایرانیان مقیم خارج از کشور برای یاری به هموطنان زلزله زده است و شانگور روح همبستگی و علاقه به سرنوشت و زندگی همبندان داخل کشور است .

مهندس روستای دلمبران تواب شهرستان لاهیجان ۹۰ فرسدم
تخریب شده، بیش از ۱۵۰ روستای تابعه بخشهای مختلف
فزون و زنجان ۱۰۰ فرسدم تخریب شدند، بیش از دو سوم
جمعیت شهرستان رودبار کشته یا مجروح شدند، ۴۰ روستای
اشکور رودسر در دل خاک مدفون گشتند، از جمعیت ۲۲ هزار

رسم بوجود آمد، بنا به گزارش موسسه ژئوفزیک، پیراز زلزله
اخیر، تا ۲۳ تیر بیش از ۲۰۰ "پی لرزه" در مرکز زلزله
شناسی دانشگاه تهران، ثبت گردیده است.
شهرهای تهران، قزوین، زنجان، لوشان، منجیل، رودبار،
رشت، لاهیجان، رودسر، لنگرود، آستانخارویه، صومعه سرا،

رسم لرزانی که در بامداد روز ۳۱ خرداد در تهران
و بخشهای وسیعی از شمال و غرب و مناطق مرکزی کشور
- مان روی داد به گزارش مرکز ژئوفزیک دانشگاه تهران
شدنی برابر ۷/۳ بیشتر داشت و به لحاظ وسعت
دامنه زمین شدت، طی یک قرن اخیر در این مناطق سابقه
نداشته است. مرکز این زمین لرزه ۲۰۰ کیلومتری شمال
غربی تهران و ۴۰۰ کیلومتری جنوب شرقی تبریز گزارش شد.
مرکز زلزله نگاری آمریکا ۱۱ شمت زمین لرزه را به قدرت
۷/۲ ریشتر اعلام کرد، بنا به اظهار مسئول بخش زلزله
شناسی مرکز ژئوفزیک دانشگاه تهران "مطالعات تاریخی
وقوع زلزله دوهزار ساله گذشته در منطقه البرز که کیلان
بخشی از این منطقه است نشان میدهد که این منطقه در
دوران گذشته بارها، صدماتی با همین
ابعاد دیده است" و گفت: "طل اصلی این زمین لرزه و فعل
انفعالات زمین ساختن است و هیچ ارتباطی با فعالیت
اجتماعی آتش نشانیها در کوههای البرز مرکزی و غربی
ندارد". وی وقوع زمین لرزه شدید با قدرت زلزله اخیر
را بسیار ضعیف دانست و گفت نفی زلزله های بعدی در
منطقه "پی لرزه" خواهد بود، برخی از این پی لرزه "ها"
می تواند بحرب با شدت کمیت پش لرزه "یا حداقل تا دو یا سه مرتبه
ایجاد خواهد داشت تا به سر و یک وضعیت متعادل در

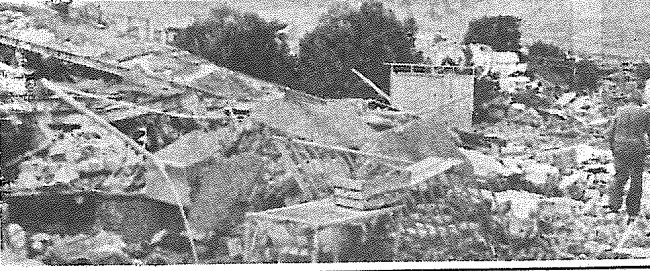
زلزله اخیر و "پی لرزه" های آن

از جمعیت ۲۲ هزار نفره منجیل فقط ۲ هزار نفر باقی مانده اند



نفری منجیل فقط ۲ هزار نفر باقی ماندند، و این ارقام
فقط بخشی از واقعیت هولناکی هستند که توسط مطبوعات
ات عاجز رژیم ارائه شدند، با این وصف کیهان اعلام کرده
است "که بیش از ۵۰ هزار نفر جان ونیم میلیون
نفرخانه و گاشانه خود را از دست داده اند".

فومن، بوئین زهرا، دماوند، تاکستان، تنکابن، نوشهر،
کرج، سراب، خلخال، میانه، اردبیل، مشکن شهر، بروجرد،
خراباد، قم، چالوس، مهاباد، ارومیه، سنندج و روستاهای اطراف
این شهرها با شدت وضعف درجدهات زمین لرزه اخیر،
لرزیدند، از روستای کیده طارم علیا فقط ۱۰ نفر زنده



آمار قربانیان و مجروحین زلزله تایتکشنبه ۴ تیر ۱۳۶۹

بمنقل از روزنامه اطلاعات

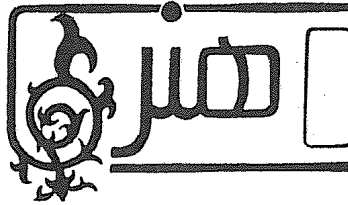
- لوشان، ۲ هزار کشته
- طارم علیا، ۲۵۰۰ کشته و ۱۰ هزار مجروح
- رودبار شهرستان، ۸۸۰ کشته و ۵ هزار مجروح
- الموت، ۶۰۲ کشته و ۲۵۰ مجروح
- خلخال، ۳ کشته و ۶ مجروح
- لاهیجان، ۶۰ کشته و ۵۰۰ مجروح
- آستانه اشرفیه، ۲۰ کشته و ۱۰۰۰ مجروح
- رشت، ۶۹ کشته و ۵۰۰ مجروح
- فومن، ۵۱ کشته و ۳۰۰ مجروح
- دلمبران، ۵۰ کشته و ۱۵۰ مجروح
- رودسر، ۲۵۰ کشته و ۲۰۰ مجروح
- صومعه سرا، ۲ کشته و ۲۵۰ مجروح
- لنگرود، ۳ کشته و ۱۴۰ مجروح
- بالا محله، ۱۵ کشته
- بندر انزلی، ۲ کشته و ۲۲ مجروح

- زنجان، ۲۵۰۰ کشته و ۱۰ هزار مجروح
- قزوین، ۶۶۲ کشته و ۵ هزار مجروح
- تاکستان، ۳۲۸ کشته و ۶۵۰ مجروح
- ابهر، ۳ کشته و ۱۳۰ مجروح
- دهستان بزرگوه، ۱۲۰۰ کشته
- کیلیش، ۲ هزار کشته
- چیرنده، ۲۶۰۰ کشته
- خورگام، ۳ هزار کشته
- رحمت آباد، ۲۵۰۰ کشته
- پلرکات، ۱۲۰۰ کشته
- رستم آباد شمالی، ۱۰۰۰ کشته
- رستم آباد جنوبی، ۲۵۰۰ کشته
- دهستان حومه، ۲ هزار کشته
- دهستان دشت ویل، ۱۲۰۰ کشته
- منجیل، ۷ هزار کشته
- رودبار، ۴ هزار کشته

ملاقات وزاری خارجه ایران عراق

به ابتکار خاورپرویز دژکوشیار، دبیرکل ملل متحد، روز سوم
ژوئیه وزاری خارجه ایران و عراق در ژنو سوئیس مستقیمانه
گردند، دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که این ملاقات در یک
فضای سازنده صورت گرفت و امیدواری به بدل صلوا افزاین
داد. این ملاقات بعموان زمینه ملاقات سران دو کشور
مخصوص میشود. هنوز از مفاد مذاکرات اطلاعی در دسترس
نیست اما بعد از این ملاقات راه برای ملاقات در خواستی
رئیس جمهور عراق گشوده شده است.

یادی از میرزاده عشقی



دیباچه انقلاب ادبیات ایران

"به جای آنکه نشینند مرغهای قشنگ
به روی شاخهای گل، خفته اند بر سر سنگ
تمام دره بریند زغفرانی رنگ
زقال و قیل بسی زاغ های زشت آهنگ
شده است بیشه پر از پازیران گلغل منگر"

تنبوری را برگرفته، با گلوبی خونین، بر صخره ها،
برای لاله ها میخواند.
در عصر بی قانونی، عصر کشمکشهای خشکبانه و آوارها
— ی عاشقانه، تنبوری را برگزیده، رگ رگ جان ها را
شيفته و شیدا کرد. عصر درهم پاشی و تلاش برای دستگیری!
در این عصر او از راه عشق و رنج و مبارزه راهپایستی
را میسجد. شاعر باطنی، عاشق بی آرام و قرار، انقلابی، پر شور،
زندانی سياهچالهای ستبارگان در فصل تازشانه و دشمنی،
در سال شقاوت و اضطراب، در قرن بجرم و هولبار که
بر پرچم شعرش نبرد قویترین با استعمار گران جهانی
را میسود.

او فرزندی رنگار و وطنان بود، در برگزیر آن فصل سياه
وی را سر و سودای میخکها و بنفشهها بود. پندگنان آسمه
سر شعرش بر شب بال میگرفتند و آهوان عاشق ترانههای
پیش سواران میناختند، شعرش خرام سیده بود در دمه های
کرگه و میش که خورشید را اشارتی میداد، ناقل نه آزان
که کرگه ها در پشت گرفته ها وی را به کین نشسته
اند، چشمان او نگران عشق بود که آسوی تر پای در
زال چشمه های صبح میشست.

نمایشنامه نویسی، روزنامه نگار و از نخستین نسو آوران
تحول در ادبیات فارسی، میرزاده بود و میرزاده بود
و میرزاده نبود که با سیر و امیر در گیر بود. هفده ساله
بود که درس و مشق را رها کرد و به مکتب اجتماع
و مبارزه تا آخر نفس با دشمنان مردم روی آ و ر د.
میهن پرستی، دفع از آلمان های زحمتکش، مبارزه بیامان
برای آزادی زنان، اعتراض و عصیان در برابر بی عدالتی
جوهر جان اشعار و نمایشنامه ها و مقاله ای این مرغ
توفان، میرزاده عشقی است.

روزنامه "نامه عشقی" را در همان انتشار داد و پس
از مدت کوتاهی به کانون مردان و مطاران سیاسی-بنی
استانبول رفت اما شوق دیدار میهن و آزار و شکنجه
مردمان لحظه ای آرامش نگذارند. اشعار و نمایشنامه های
او در این دوره حاکی از این آمل و آرزوها و زندگی
دشوار و رنج آور شعر است. سپس به تهران آمد و به صف
مبارزان حزب سوسیالیست پیوست و از این زمان اشعارش
تاریخ انقلاب، تاریخ زندگی مردم میهنی بود، هر جا گمستند
— بیگان برمیخاستند و زنجیرهای پیسیده فرو میریختند
و دشمنان مردم بر خاک می افتادند. اگر عشق خود آنجا
نبود، شعرش را سرود میکردند و ترانه های راجسون
پرچمی بر نوزه میزدند. شاه، وزیر، شیخ و قاضی از شمشیر

شعرش گریز نداشتند، چون نخست وزیر ایران "وثوق الموله"
عاقق قرارداد تنگن ایران و انگلیس، که اینگونه سرود
حمله قرار گرفت:

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت
باغبان زحمت مکن کز ریشه کنند این درخت
میتهانان وثوق الموله خونخوارند سخت
ای خدا، با خون ما این میهنی میکند...

اندیشه آشوبی را قبحه کان تاریخ که به تخدیر لیسده
بودند، تامل نتوانستند کرد، پس او را استگوییبه زندان
افکندند. اما آن شیر سرخ تاب زنجیر نماند، آرزو، آست
و پای میسکد و به میان مردم باز می آید. هنگامی که
مجلس چهارم از میان رفت، عشقی سرود:

این مجلس جارم به خدا ننگ بشر بود
دیدنی چه چیز بود
هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود
دیدنی چه خبر بود

و چون در آن اوضاع بحرانی و آشفته، دیکتاتور خون آشام
و تازه نفسی از راه رسیده و بران دستا با نام "جمهوری"
مردم را بفریید، عشقی برآشت و فریاد فراتگد که ایسن
فروغ و فریبی بیت نیست:

پای جمهوری و دست انگلیس
زدانند، زردانند، آبی لیس
این چه بوق های سرخ و آبی است
مردم، این "جمهوری لالی" است

در روزنامه خویش نیزآزم جمهوری را از اسکاس،
تفنگ، شلاق و استخوان سر و دست نقاشی نمود و اینبار
دشمنان کر به قتل بستند.

عشق مال و ثروت وزن و فرزندی نداشت، سعی رابسا
رنج و تهیدستی و شرافت و بیگاری زیست. هنوسی و
یکسال از زندگی پر بارش نمی گذشت، هنوز به
هنرش به گل نشسته بود و آرزوهایش در برابر چشمان
عاشق پریمی شدند که:

جوانی دلبرو کشاده زبان

سختگویی و دانشور و مهربان
نجسته هنوز از جهان کام خویش
ندیده به واقع سرانجام خویش
نکرده دهانی خویش از زندگیت
نگردیده جمع از پراکتگی

چولیل نویاش همه دردناک
گر بیان بخش چو گل چاک چاک
هنوز بیبوسته پردرمان
نیسته به شاخی هنوز آشتیان
به شب خفته بر شاخه آرزو
سحرگاه بانشق درگفتگو

که ازشت کیوان یکی تیر جت
گرگاه مرغسختگویی بست ...
عشقی راباتیرو زند، در برابر خاندانش به دست موشن از
عوامل ارتجاع و دیکتاتوری عشق راباتیرو زنده نمودم با این
شعر که بر سنگ گوش نوشتند با شعر خویش بود نگفتند:
در سلخ عشق جزنگو را نکشند
لاغر صفان زشتخو را نکشند
گیاهش صادقی زکشتن مگریز
مردار بود هرآنکه او را نکشند
و آن روز شوم ۱۲ تیرماه ۱۳۰۲ شمسی بود.
عشقی می خواست "دیباچه انقلاب ادبیات ایران"
باشد و بود.

"پندار من این است که با بستی در سلوب سخنراستی
این زبان پارسی تخمیری داد، ولی در این تغییر —
نیاستی ملاحظه اصالت آن را از دست نهاد."
درباره قطعه برگ بریاد برده می نویسد: "این ابیات
راه شیوه تازه با نظریات و ملاحظات که من در انقلاب
ادبیات فارسی و تشکیلات نوی ایران دارم... سرودم."
در مورد "ایدل" که آن را دیباچه انقلاب ادبیات
می نامد، می نویسد: "این سه تابلوی ایدل، بهترین
نمونه انقلاب شعرای این عصر است." — برای
اولین بار عشق اثری روانی و منظوم بر میبای زندگی
آرزوهای مردم زحمتکش آفرید. به همین گونه می توان
گفت که نخستین کوشش برای تهیه آبرایی ایرانی توسط
عشقی و درباری "رستاخیز بریاران ایران" — جلسی
می باشد. آزادی و پیروز آزادی زنان موضوع اصلی
بسیاری از اشعار شاعر و زنان قویان اصلی نمایشنامه های
او چون "ایده آل"، "کفن سياه" و "رستاخیز
شهرباران ایران" می باشد.

مرواحی که نیست جز آنکه زخم
زین گاه است که تازند نام اندرکنم
من سیه بپشم و تائین سیه ازتن تکم
توسه بخترو بدبخت چوبخت توکم
منم آن کی که بود بدبخت تواسیدمکم

هرگز گریه، گریانی تو
من اگر خندم، خندانی تو
عدالت و برابری اجتماعی خواست و آرزوی دیگر شاعر است
و به همین لحاظ با هر قید و زنجیری به ستیز میخیزد:
بمدان این باید نماند هیچ کی برندیگی
هرکی ازبیر خودزنده است و دلاورندگی
و سرانجام مرتزایی "ایدل" "ایدل" ایدل خواه و نجّا
میهن و توده هارا چنین تصویر می کند:
تمام ملکت آن روز زیور بود
که قهر ملت باور زیور بود
به خائشین رسن، آسان عود کرد
زمان کشتن انواع مرده شوگرد
بسبب خالزخون پلیشان رنگین

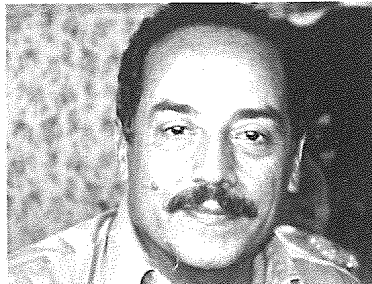
وزیر علی بهار فرار از دروید
رئیس نظمیه سوی آن داریوند
کفیل مالمهادر مزار روند
وزیر حارجاه هاز جهان کتار روند
که تانمان از ایشان نشان به روی زمین
"ایده آل" که در بزبان سردار سیه نوشته شد، خشم و
کینه حیوانی دیکتاتور تازه را برانگخت. این تابلو که
تهنادهای تومیقات بسیار زیبا و نوآوری شجاعانه ای در
عصر ادبیات، بلکه تصویری گویا و دلنایه علیه آن عصر
پر میباشند. زبان ساده و تصویرات زیبا و قابل
دستری این شعر انسان را جانجو می کند.

چند دهه مبارزه

گفتگوئی رودر رو

با رضامرزبان

(۳)



ریخت و گفت: به من گفته بودند چند ماهی است باز یکی سرو گلش آتش پیدا شده، آمده بودم پشت درِی تازه بی بی به تودویی ها بدهم، چون فکر میکردم، دس قلمی، یادشان رفته-حالا شما را میبینم! دوباره به نماز ایستاد، و نمازش که تمام شد، راننده‌هایش، قالیچه را جمع کردونه اتفاق سید سوار اتوبوسیل شدیم و آن وقتی هم ما با به شهر آمدیم، بین راه سید به من نصیحت کرد: "بله، درست که دولت، طرفدار آزاده، اما شهادت‌شوجها باید متناقل باشید، و بدانید که آزادی فقط داخل حصار شهرهاست، توی میدانها و خیابانهای تهران، هرچه دلشان میخواد هتروا بد کشید و شمشیر بدهید، اما حق ندادید، پانان را از شهرها بیرون بگذارید، میفهمید! ..."

پسنا بود کنگام پاسگاه زانبارمیری، باناست و کسک کسانی از شکم حلی خودمان گسترده شده است، ولی تب مبارزه آنقدر داغ بود که من، تعقیب ماجرا را به شبکه دهقانی رها کردم و بعد از گزارش چند روزی بازداشت آخرین روز، موضوع را دنبال نکردم، بعد از مدتی بازداشت بودم که میگردم این دام را، کنگام غمناک، پاکدامها بازگردد بودند دهقانی که هفت هجرت از سالهای جانی پیش از اغلب دانشجویان دانشگاه تهران، از ششم و نازم، هینتر، جنگ، صلح، و امیرالیم، آگاهی و اطلاع داشتند، و در زمینه وقایع سیاسی بعد از شهریور، سراسیمه تجربه بودند، آنم خیال میکرد فقط یک چکه لازم است تا به رهبری طبقه کارگر، انقلاب دهقانی را جاری کنند و هنگام ...

۲۸۱۸ مرداد: صبح پنجشنبه بود که روی برناه، به خانه مشؤل سیاسی روزنامه "بوی آزادی" رفته، باید، آجا درکارا، و در سربدی که اندکی بعد از من رسید، مطالب رهنما را تکمیل میکردیم و به چاپخانه میزداسم. صبح زود، وضع عادی بود، ولی از چند روز پیش، خونت های پلیس، شدت یافته بود، و از غروب، چهار راههای اسلامبول- فردوسی و اسلامبول- لاله زار، محل گزاشک آژور وضریه باتوم بود، بی هیچ دلیل، از طرفی از ر و ۲۷ مرداد، بمباران این خبر که روزنامه "شیر" سوم، خلیل ملکی شعار جمهوری داده، تا ناگان تمام شبکه حزبی تهران برای ترتیب میتینگهای خیابانی کوچک و سراسری و دادن شعار جمهوری، بسیج شد، و بعد از میتینگ کوچک موسفی، در سراسر خیابانهای اصلی تهران، برای تبلیغ جمهوری، بیا گشت تا شبکه حزبی، پیوسته "شیر" موسفی، در اطلاعشمار جمهوری، با عمل جریان کنند. (من این روزنامه را ندیدم.)

۳۱ ساعت ۹ صبح، به مشؤل سیاسی روزنامه، تلفن شد: دستمتهایی از جنوب شهر، سوار کامیون بجایا روسیدان توپخانه سرازیر شدند که شعار "لا یذبحنا" میدهند و جمعیت زیادی نیستند، پلیس ونظامیها هجول آنها را نمیکردند، ساعتی بعد تلفن شد که د نفر جقات و چاقو، به دربخوان جمعیت ملی مبارزه باستعمار (سرخپانان فردوسی) وانجمن کک به دهقانان، و محل روزنامه‌های به سوی آینده و نوید آزادی، و خانه صلح (در طول خیابان فردوسی) حمله کرده‌اند، و بعد از غارت، دفترها را بیسه آتش کشیده‌اند، پلیس هم از آنها حمایت میکند، دستمتهای پلیس، گروه به مهاجمان، می‌پیوندند، از فرمان اری نظامی هم به آنها کک می‌شود.

انگلی بعد، اطراف را، به دنبال ازدحام، شلیک گوله آغاز شد، پسنا بود که کودتای در جریان است. خانه‌ی که آن جلسه داشتیم، حدود صد نفر سراسر از چهار راه خیابان کاخ و خانه دکتر صدق، فاصله نداشت و از ساعت ۱۱ به بعد، فریادهای "جاودانه" از آن حدود به گوش میرسید، آمیخته با صدای تیر ساعت

و راهمنای برای حضور فعال آنها در انتخابات شد. بزرگترین ده این شاخه، "داوودآباد" جزو املاک خاصه بود که از طرف شامو بانک عمران، بطور نمونه، به دهقانه فروخته شده بود، و بانک عمران، طرف دهقانه بود، مشؤل حزبی داوودآباد به جلسات نیامده بود، شب آخر قرار شد، صبح فردا من به داوودآباد بروم، و بعد از سر جاده داوودآباد به تهران برگردم، همین برنامه را اجرا کردم، اما سر جاده که رسیدم، رئیس پاسگاه زانبارمیری، منتظر من ایستاده بود!

ساعت ۹ صبح بود که بازداشت شد، تنها، و تنها شب بی‌تکیف، توی اتاقی خالی، در توقیف پاسگاه بودم. ساعت ۹ بعد از ظهر مرا از اتاق بازداشتگاه بیرون آوردند، و به اصطلاح، برای بازجویی بردند، در اتاق رئیس پاسگاه، سید مختارزاده، بازوی اجرایی آیت الله کاشانی نشسته بود، او، در روزنامه های چاپی، به "اتاق پردیس" معروف بود، وقتی، از مطالبه تقاضای، که تقریباً در تمام جلسات چند روزه حاضر بود، آنجا بود، کار دست رئیس پاسگاه، و تا مرا دید، گفت: آقای رئیس، خودت، همین بود که میگفت به دکتر ... رای بدین و حرفای به به اصطلاح میزد.

سید مختارزاده دردی نتونم، با ریشتیونوه وسایه اجاره دار ده "پردیس" بود، و سال پیش، حامی ده "پردیس" را که به "المنها" رسیده، توسط دولت خرید داده بود، بالنگ به دیون تون حمام انداخته بود تا سوخته بود و لقب "اتاق پردیس" را به ایسن ناماست به او داده بودند، اما من، او را به ناماستی دیک ... خانه ده، او در مشهد با ما هم محار بود، و او از فرارهای غافلج مسجد گوهر شادبود که بهدهاسر از فلسطین درآورده بود، و همه آیت الله کاشانی پیوسته بود، دو سال پیش تر به جلسی در دفتر روزنامه "ایران" صورت شده بودم، دعوت کنندگان، قصد سرایه گزاری و توسعه روزنامه را داشتند، سید مختارزاده جزو برناه ریزها، در آن جلسه حضور داشت، و سا آشنا شدیم.

سید، که خشکین، و آستین با لازه، روی منصدلی نشسته بود، هنگامی که سر بلند کرد، و مرا دید، ملاپم شد، و پرسید ما چرا اینجا چکار میکنید بعد از رفتن از محل کار، دربراین قالیچه‌ای آرد، همانجا وضو گرفت و سه نماز ایستاد، بعد از نماز پیرونده را که جلو ریشی پاسگاه بود، و پیش از کوچکترین سؤالی از من وقتی نام من، سربه پیش از صد صفحه میزد، خواست، یاره کسرد و

در بهار سال ۲۲ پاسگاه جوانان دمکرات ایران، مسئولی ترتیب داد، این مسئول، به استقلال قسمتیو ای جانی جوانان بود که در "بخارست" برگزار میشد: با برنامه‌های وسیع در زمینه هنرها و ورزش.

در این مسئول، اخوان "امید" محل طلال شعر را برد، و مدال برنز تصوموسی نصیب داستان من بنام "شکت پانیر" شد که اتفاقاً به دست زوری هم رسیده بود، ماجرا این بود که شاکت جلالی، غم کینه مرگری سازمان جوانان، و اداریکنند مسئول، داستان مرا، به عنوان اثری که توجه او را جلب کرده بود، جای گذاشت در پیرونده زوری، توی کیف منستی خوش نگاه داشته بود، و چند روز پیش از تشکیل جلسه زوری، هنگامی که برناه، صاحبی با روزنامه‌سوزان راهاره میگردد، پلیس به محل صاحبی حمله کرد، و به استاد مقررات حکومت نظامی، او و خیرنگران، حاضر - ان در محل را، بازداشت کرد، از قضا من هم از طرف روزنامه "نوب آزادی" به صاحبی رفته بودم.

خیرنگران روزنامه‌های راست و میانه رو را همسان لحظه انتقال به محوطه پشت زندان وقت، در شهرپاسی آزاد کردند، و باقی را تا ظهر روز بعد نگه داشتند، و طبیعتاً که تمام محتویات جیبها و کیفها را همجالی کردند، از جمله کیف منستی "سپاک" را خالی کردید، و قسمه شکست و اعلام جزو اوراق ضبط شده بود، زوری هنگام بررسی و نظار نظر روی دستنامه‌های موجود، اثری را که صاحب مثال طلا باشد، یافت و به بهترین داستان مدال نقره‌دار سپیک جلالی و یک غم دیگر زوری که سربوسته قسم که شده را، مطرح کردند، سعید منستی، رئیس زوری شعر رفته، و پیشنهاد کرد به قسم خوانده نشده، و مدال دوم، یعنی مدال برنز، بدهند.

برای آنکه حدود آزادی، و شرایط مبارزه را در دوره نخست وزیری دکتر صدق بدانند، نقل خاطراتی از ازمه های که بشکته دهقانی حزب پیوسته، بدینست:

از رستان سال ۳۱، و ملاطوبت، به بشکته دهقانی پیوسته، و در "پیام بازوی" (اورا این افعال شد، فوق العاد لیت دهقانی از دوره همگرا با "منستی هسا" فر "این آدابها نام سوخته" پیدا کرده بودم، اما در عمل متوجه شدیم که کار تشکیلاتی ده، هیچ ربطی به کار تشکیلاتی شهر و فضاهای کارگری را روشنفکری، ندارد. انتخابات مجلس شورای ملی بود، و من برای آرتاسیون به روستاهای شاخه حزبی خود رفته بودم، سروز وقت در دو محور، صرف سخنرانی و تملبا با افراد سازمانی

۱۲. ما از حلی که بودیم نتوانستیم خارج بشویم. وماندم رادیو، خبر بخش نیکرد، وگوش ما، بسنه صدای تیراندازی بود. که دم به دم شدت یافت و دیگر حتی در خانه را نمیتوانستیم باز کنیم. گوینده رادیو، بد بخش خبر و سرانجام گزارش بسنه کاری، طرز کشت و برداشت محصول بسنه را به مدت چندین ساعت فراتر میبرد.

ساعت چهار بعد از ظهر، تیراندازی قطع شد. رادیو بسنه ناگهان با سرود سلام شاهنشاهی "پیام فتح بسنه زاهدی و سقوط کابینه دکتر صدق را اعلام کرد. کودتا، که ماها، مطبوعات حزب، شماربیداد، آنرا به ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد، بر رادیو و خانه دکتر صدق تسلط یافته بود و از آنجا که ما بودیم از پشت پنجره، میدیدیم که اناک حاضر روپه سدلی و میر وقاب عکی و فرش همت که غارتها میرند. رادیو نیز بی تریب استخار حکومت نظامی جدیدو منسج رفت و آنرا همراه با کوش نظامی اعلام میکرد. آنچه را که میدیدیم میبینیدیم، می شنیدیم و اور کنیم، هر لحظه منظر اعلام خبر شکست کودتا بودیم. ما دیگر کاری نتوانستیم، باید چشم به راه نستور حزب میماندیم. مسؤل روز نامه، و من امیدوار بودیم دست و پای خودمان را کم نگردد بودیم. ولی دردیروز روزنامه با بی شام بسنه آنگه میگریست. و شوق با اوردند، چون او باهاش از ما خوش و گمانی از قماش خودش را که در صف کارهای بالای حزب قرارگرفته بودند، میشناخت.

خانه ما، در خیابان عشرت آباد کوجه حمام ریسا بود. هرطور بود، خودم روپه خانه رساندم. وان شب تاصبح چشم بر هم نگذاشتم. چون، فرارگاه عشرت آباد بیست متر با خانه ما فاصله داشت. ودر فرارگاه، تساه صبحکودتاچیا، موزیک و فریاد شادی و سرود نظامی داشتم. و من از تاریخ انقلاب شرمه شگوروی را برای بار دوم دوره کرده بودم، چشم باهاش سروربزهاسا به خانهها بودم.

کودتا صورت گرفته بود و حالا توده حزبی منتظر دستور بود تا همانطور که ارتکابل پیش، هرچند روز یک بار از طرف مطبوعات حزب اخطار شده بود، کودتاسا را به ضد کودتا تبدیل کند. از منشا پیش از ۲۸ مرداد غرور سیاسی افراد حزب، از شعار چاقوکشان حرفهای که در هر فرصت تریبه میکشیدند، "بیست روزه تودهای خرابدار - می" حربه باور بود. و این حربه، و این روزهای آخر بیشتر تا سر حدش بود.

از روز ۲۹ مرداد، آماده باش حزبی و قرارهای چند ساعت بچند ساعت در خیابانهای تهران آغاز شد. که با شور و شوق از آن استقبال کردیم. بعضی چندروز قرارها به یکبار بر روز، و چند روز یکبار، تبدیلی کشت تا به مرحله جلاست بحث و انتقاد درون سازمانی رسیدیم و تا دیگر خبری از جانب حزب نخواهد شد و نااستیم و تروپای حزب صرف تشدید همدلی و هماهنگی جبهیلی شد. در انتخاب عمومی ۱۷ آبان، که جبهه ملی اعلام کرد ما در حضور فعال دانشتیم. و حاصل فعالیت شدید من روز پیشان کیهان برای تارک انتخاب آن چند روز و روزها از انتخاب با اشاره روزنامه، چند جیب و کامیون فرمانداری نظامی برای دستگیری من به روزنامه کیهان اعزام گردید ودر کوجه انابک مستر شد. و هنگامی که سرگرد فرمانداری نظامی، بانکتر مساجار باهنگو گنگو میکرد، کارگزارها مرا بنهان کردند و ساعتی بعد، از راه پانجه هسایه، وارد کوجه تانتر فرموسی (تفکر) شد. و درون جمعیت خیابان لالمر از محل دور شدم. با اینهمه، تارک انتخاب طوری بود که بسا

کوشش و خوشحالی چند سرکارگر، روزنامه کیهان روز ۱۷ آبان با ناخبر بسیار و دریک روز (دوصفحه) انتشار یافت. روز بعد اعتصاب غیرمجاز روز نامه خواستند و به جمع یکروز ششگان بعد از کودتای بیوسم، تصفیه ازارانو سازمان. های دولتی از چپا آغاز شده بود.

در این فاصله ما از حبابان گرگان، کجک کرده - بودیم و به محله "سربوک" آمدیم. بودیم. خانه ما پشت خان "آبیت الله بهسبانی" بود و احوان که تاراه از بودا کرده بود و من و خواهرها و برادرهای از هسمان هفته اول بعد از کودتا یک حوان فراری از هسمان با ما زندگی میکرد. حوان روستایی ساده ویر حسوش خروشی که عضو کمیته شهربان سازمان جوانان در رود - سر بود. و بدینال هسوا افراموسی، فتوال محلی، به حوان هسوا هسوا چپ، به تهران متواری شده بود. و او را به من میدردند تا یک هفتهای در شاخه خود م نگذارم. بر شاخه من، از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر، حتی یک نفر هم نبود که بتولم کسرا به جمع خانه او انافسه کم. همه کارگر خیاط، دستفروشی، کارگر کشتی، و رستوران و روزنامه فروش بودند. گذشته ارجبیه استی، حتی بطور عادی هم میشد کسرا به جمع خانوادها نشانه کرد. که زن وشوهر و چند بچه در یک اتاق زندگی میکردند و در خانههای قدیمی، که دورتادور حیاط اتاق، اتاق، اجاره نشین داشت. در نتیجه، اوپر خانه ما ماند و جای هسنا، ماها آنجا بود. تارسانجام با لو رفتن دیرینه خاکی ایالتی سازمان جوانان، بدینال آبریس "پارول" ارتباط با او، به خانه ما آمدند. و او را هرگز در آن خانه ما بود گویند. بیج پی زده از ماه مهین بود و وقتی با مدیرون هدلیز خانه، کارگری بر سر - بازها از چند سو با سرینتر اهرام را بستند. خانه سرپراخانه شده بود. و توی اتاق من چند اسر شخصی گرم کدوگو بودند.

من آن رفیق متواری، برادرم ویرعومیوم، و چند نفر دیگر را که بعد از اعتصاب ۱۷ آبان از روزنامه کیهان بیرون کرده بودند و شیا در خانهمان میخوابیدند. در کامیون نظامی، به عارت شهربانی انتقال دادند و به سالی لخت و سرد و خاوشو راهنمایی کردند. سا - عتی بعد در باز شد و احوان را هم آوردند. بسا جمع ما افتاده کردند. بیست و چهار ساعت بعد، بدینال بیخوابی و گرسنگی ما را در آغاز شب از عارت شهربانی، با لشکر زرهی انتقال دادند. و طبیعی است که شکجه آغاز شد. چند هفته بعد، احوان، و سایر همراهسان ما را از آراد، تهران و من و رفیق متواری، در زندان لشکر زرهی ماندم تا آثار شکجه در تن ما محو شود. ۸ فروردین ما را به تربطینه زندان موتف واز آنجا به داخل زندان موتف بند ۴ با بقول سنوان جوان - سر رئیس پولکی زندان، به "اسالینتگراد" تسجول دادند. پنج ماه بعد، از زندان موتف، به قصر، منتقل شد.

در زندانها: زندان موتف، شلوغ تر از شهربانی زراتی بود. هر روز چند بار بر وحالی میشدند. بند هشت (طبقه دوم) جای سنوان انداز نمود. زندانهای قصر هم بر زندانهای سیاسی بود. در زندان شماره یک قصر، تعداد زندانهای عادی کمتر از زندانهای سیاسی بود. و زندان شماره سه درست به زندانهای سیاسی اختصاصی داشت. زندانهای دیگر قصر را هسسم (ازبان وشماره ۲) هسطنیروز برآورد میگردند. احوان را بعد از یک هفته آزادی دوباره بازداشت کرده بودند از سو در لشکر زرهی نگاهش داشتند و بعد به زندان موتف انتقال یافت. اینبار، او متهم بسود و

انهاش "شعر". شعی که او ساخت و ولی بسنه او سست ناده بودند. من هسوز در زندان موتف بودم که شکستمالی لو رفت. و بخشای ترون زندان که کرد دسد بندهیای داخل رهبری و انانام باندها بنیکبگر هسوز سیزد قطع شد. و بهت هسوز از گرفت و تگرانی تشدید آرایسند. و احسان روش نانواپی رهبری، از بسوز کشیدن حرب از کرد بادی که رسیده بود، حاشین بخشای سابق شد.

در زندان شماره یک قصر، دکتر کاظم راده، که تجربه آنورابان را از سرگردانده بود، آب پاکسی روی دستمان ریخت. اوگت ما به جایی رسیدیم. همه جزایراد او سو که باید از گذشته چشم بیوشیم. همه جزایراد او سو آغاز کرد. او حالا از درون زندان، باید به تکسر - تشکیل بخشای مارکسیستی باشیم. ما، که تجربه اوراندا - شیم، و در کالی "نامههای ربر جوجه دار" زولویوس فوچیک، بوروش یافته بودیم، به او بوختان کردیم. و بعد از آن بسنه او با بد بینی نگاه میکردیم. او، بعد از راهی از زندان چندسالی بسین زندان نماند. ولی بسین بسینی او درست آزاب درآمد.

در زندان موتف، به ساسیت ماه رخصسان، زندانها تصمیر گرفتند برای شثار به زندانهای سیاسی آنها را وادار به اجرای مراسم روزناری بکند. کمیته زندان، قصد داشت تسلیم این تصمیر شود، و استدلالش آن بود که باید در برابر زندانهای عادی، بنظاهر به روزناری کرد تا تبلیغات زندان - ماها را علیه ما بی اثر کند. من با این نظر مخالف بودم. و استدلال این بود که زندانهای زندان دراند اراده مارا بعنوان روشنگرگاه، بشکند. بنظاهر ما به روزناری نزد زندانهای عادی که خود مرتکب خلاف وشکستن نظم جامعه شدند، ارجاب آنها به تری و به ریا کاری ما شلیخ خواهد شد. و ما، باید با ایسناد روی رفتار عادی خودمان برای دیگران - شرح باشیم. کامیون معتقدندو میخوانند روزه بگیرند حسانی جدا دارند ولی تصمیر این تصمیر به تمام زندانهای سیاسی درست نیست. سراجان کمیته زندان تصمیر گرفت برای اعتراض به تحمل زندانها، اعتصاب غذا اعلام کند. و اعتصاب ما، یک روز بیشتر طول نکشد چون زندانها تسلیم شدند. و قرار شد غذا ی زندانهای سیاسی را به جای سرخه ظهور تحویل بدهند. دریندشت قصر هم بر سر من ورود روزنامه بسنه بند، که در کوی جیمی از زندانها پیدا کردیم. اسنگار این تریکی، که انگکی از فشار کاست، با دکتر کاظم راده بود. شدت عمل، در زندانهای کودتا، قابل توصیف نیست. شرح بازی، و خواندن کتاب روزنامه در زندان جرم بود. و تا منعی، زندانهای سیا - سی را، به سانههای واهی، به دفتر زندان میبردند و آنجا روز هشت، دستبند و سلاق میدردند. و از نردههای آهنین درها میروختند. روزنامههای اطلاعات و کیهان و نام زندانهای عادی وارد بند میشد. و بهیانی، اتاق بسه اتاق سیکت، کتاب هم هسمن سرپوش داشتیم. و از این بابت بایدیم به رئیس بند، معرفی میایدیم. و به زندانهای عادی، امتناز با این فرق، من در بند شش جمله استتویس، تموین کردم که دو شهارد آمدند. که دست به بست به بندهای دیگر زندان هم میرفت. باانتقال من به زندان شماره سه، قصد تمطیل شد چون آنجا امکان نبود. محله نبود. آنجا محلی، حفاظ نداشت و اضای شکجه دیده و روحیه باخته سازمان جوانان آنجا متراکم بودند.

ککزه ۲۸ حزب کمونیست شوروی که از دوم ژوئیه آغاز شده است ناده روزیگار خود ادامه میدهد این ککزه از هر لحاظ در تاریخ معاصر اتحاد شوروی نقطه عطف حساب آمده و نقش سرنوشت سازی برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و برای آن کشور دارد .

صاف بدنی نیروهای رزمی حزب و بحث های تعیین کننده بر سر اساسی ترین مملعات ککوهی این کشور یعنی رفاه اقتصادی و مسله ملی در این ککزه زمینه ای است که

دزبان برگراری ککزه بوسی حزب کمونیست روسیه اماند این جریان در روزهای قبل از آغاز ککزه بونی جنائسی و تغییر موضوع یعنی از شخصیت های مهم همچون "کیماف" "بیرجیز لنینگراد" "پلوسکیف" "دیبرجسز" جدید روسیه، بد هفت نگرانی با گویا جف و اتحاد شوروی میزود بر وجود آمدن در همین زمان تغییر موضوعی در جنبین شرایط و در حالیکه خطر انشعاب بعقل در ککوهی

خارجی جدید را بر سر میز آورد ککوهی دفاع کرد . اوگت هردادن ۷۰۰ میلارد ریول و زبات های سلجانی و ۲۰۰ میلارد ریول برای برپائی " زیر ساختی های نظامی " در مرز چین مملکت رابه وروائی کشاند اینهمه بدون نظر گرفتن قربانان بی شمار جنگ افغانستان است . او گت ۲۵۰ میلیون یوه کشور صرف هزینه های نظامی میشو باسیات جدید خارجی و نظامی کشور ۲۵۰۰ میلارد ریول صرفه جویی میشود . او در برابر انتقادات وارده به سیاست خارجی از جمله در مورد اروپای شرقی گفت ، " ما مایلیم کج جهت در صورت وجود نیایدن تغییرات اصل در ککوهی اروپای شرقی ، نتایج تراژیک بدی بوجود خواهد آمد ، این مسائل را پیش بینی کرده بودیم اما قصد نداشتمیم در آنجا دخالت کنیم و این صحیح بود " در مورد اتحاد دو آلمان گفت ، " کسام بهتر است ، نیم میلیون ارتش آلمان فدرال پاپک ارتش کوچکتر و نمک این اتحاد را بر یک آلمان متحد ؟ " و ادامه دادیم بدون توافق شوروی هیچ نظم جدیدی در مورد مسله آلمان بوجود نخواهد آمد . ایگور لیگاتف در روز دوم ککزه بدون حمله مستقیم به گویا جف ، گفت کسه پروتروپسکیرا این چند سال چندان عمل مثبتی به نفع مردم انجام نداده است . او گت ک رسانهای جمعی که لیبرالها و نیروهای ضد سوسیالیست در آنجا قوی هستند ، او محافظ کار ساسد ، حال آنکه او محافظ کار نیست بلکه خواهان بازسازی حزب و ککوهیات اما میخواند از ارزشهای سوسیالیستی نیز دفاع کند باید به این ارزشها بازگشت . فرمانده سیاسی ارتش جنوب شوروی حمله سختی به سیاست خارجی و وقایع گویا جف درواشها را داشت این سیاست ارتش را تعضیف و ککوهی اروپای شرقی را از دست داد .

تاریخ چهارم ککزه که سخنرانان دربارہ مسائل مختلف صحبت کردند ، فضای متحد شدن پیش از روحیه انشعاب نشود و تقریباً همگان خواهان وحدت حزب شدند . ککزه کمیونتهای متعددی برای بررسی گزارش دبیران کمیته مرکزی تشکیل داد ، که بعد از بررسی آنها برای بحث و تصویب ارائه می کنند .

ککزه ۲ حزب کمونیست شوروی

بر سر آن آیندو حیات سیاسی این حزب رقم میخورد . از پیش از ککزه نیروهای رزمی حزب به تنهائش و تمام بر سر اختلافات خود درگیر شدند ، بلکه بعضاً فاماتی را جهت سازمان دادن خود برای مقابله با دیگران بر سر انجام رساندند . نیروهای طرفدار پلاتریم مکرانیک ، کسه خواهان کار گذاشتن سوسیالیسم و کمونیسم از برنامه حزب و برپائی اقتصاد کامل بازار و تغییر نام حزب هستند ، در ماه گذشته کفرانی سراسری خود را در مسکو برگزار کردند در این کفرانی ک حدود ۷۵۰ نفر شرکت داشتند اکثریت شرکت کنندگان (۵۶ درصد) بر این نظر بودند که تنهادر شرایطی که حزب اجازه فعالیت گروهی نمیداند ، بنابه گفته " لیسکو " ، او هر هوان این جریان ، آنها بصورت گروهی شاخه ساسمیر آیندو از حزب کمونیست اتحاد شوروی خارج ماه سپتامبر ۱۹۸۶ که حدود ۴۷۰۰ نماینده صاحب رای دارد ، را تشکیل میدهند یعنی اند که حدود یک سوم اعضا حزب با آنها همراه هستند . نیسوری دیگر که مشکل از کارهای حزبی در رده های اداری و سیاسی حزب است و گرایش به حفظ وضع موجود و بر خورداری از امتیازات تا کوهی حزب دارند نیز در مورد اخراج فامال بوده و حملات زیادی به سیاست گویا جف کردند . او از جمله

نیروهای رزمی حزب وجود داشته وارد ، ککزه کار خود را آغاز کرد . بر خلاف گذشته هر یک از ۱۲ عضو اداری حلقه حق رای دفتر سیاسی و ۲ عضو مروتی آن گزارش خود را در وقت و نظرات متفاوت خود در زمینه های مختلف را ارائه کردند . میخائیل گو ریاجف در گزارشی کمیته مرکزی به ککزه گفت ، حزب بر طبق سرنوشت سازی قرار دارد اگر نیروهای مخالف پروتروپسکیراست بالا رابست آیند ، ککزه کثرائیل و سزرگ شوروی به یک نیروی درجه دوم تبدیل خواهند شد . برای رفت از بحران ، تعمیق و پیشبرد پروتروپسکیرا او اضافه کرد مکرانیک را سوسون در ککوهی بدون دست برداشتن حزب از امتیاز ویژه سیاسی خود سیرین خواهد بود . گویا جف در پاسخ به با انتقادهای محافظه کار به پروتروپسکیرا ، ضمن دفاع از سیاست ۵ ساله اخراج ککزه ککوهی نتیجه سیاست اشتباه ۲۰ سال گذشته استروپ دادند مشکلات ککوهی به پروتروپسکیرا ، " بی معنی و بیج " است او از دولت بخلی ناشستن درک و برنامه روشن برای رفاه اقتصادی و صرفا نگاه بالا بردن قیمت ها تا قدرتی از قدرت سیاسی حزب نیز که دولت راپاری نمی کند ، این تقاضا نمود . الکساندر - یاکوف در روز اول ککزه با رجوع به دوران استالین ، سیه استالینسم حمله کرده و از سیاست جدید تکرر نوین دفاع نمود . او ابرواردان در سهر سخنانی خود است او ردهای سیاست

در چرخم جنبشهای

آدمها ز منجه ۱۲ جدید (بورس کا را لیسکنکی) ، آنا تریشینا - برنا هم : خودگردانی ، جا مسه بدون دولت و گروه های اصلی : مسکو ، لنینگراد ، سوردولسک ، جا ، با روفسک ۰۰۰ نیروهای طرفدار " سوسیا لیسیم دولتی "

جنبشهای کارگری قد فریم - برنا مسه : پروتروپسکیرا تحت کنترل کارگری ، انتخابات بر اساس و جدای تولد (با زگشت " دیکتا توری پرولتا ریا ") ، دفاع از " دست - آوردهای سوسیا لیسیم " ، خصومت با خنگان جدید سوزروا و سیاستمدار سازمانهای ملی حبه متحد کارگران روسیه و در ککوهی با لیتیک حبه بین المللیسی که کار درها و کارگران روسی مهاجر را حول دفاع از " دستاوردهای اتحاد شوروی " در برابر ناسیونالیسم محلی گرد می آورد

اقلیت های روس مقیم این جمهورها شلیسک دارد و ناسیونالیست های در سوادای جداسی از روسیه تقسیم میشدند) شخصیتها : نویسندهگان ، الکساندر سولژنیستین ، و لنتسین را سیونین ، و ایسیلی بلف ، ویکتور - آستافیف سازمانهای اصلی : مجمع محیط زیست با سازمانهای باستانی ، جنبش ها و گروه - بندیهای با انتخابی " میهنی " ، جنبش با میسای (پا دیسود) ، ناسی که گروه های گوناگون افراطی ضد یهود و فاشیست ما تند حبه ملی میهنی دیمیتری و اسلیف ، حبه ضد یهود و ضد فراماسونی روسی م ملیانف ، گروه های روسی سیتجف ، گروه های میهنی سوردولسک و چلیا بنیسک ، گروه مومان در ایرکوتسک ، سر سران با هم منازعه میکنند

ناسیونالیستها طرفداران سنتهای روسی دوره امپراطوری و شوروی - در این گزارش اساسا باید طرفداران " دولت گزائی سوسیا لیسیم " را مد نظر قرار داد (مراجعه کنید به عنوان نا مرده) - ناسیونالیستهای سنت گرای روس - برنا مسه : احیاء ارزشهای مذهبی و دهقانی (سونا ارتش - های سلطنتی) ، مردود شدن تبدیل روسیه به " مستعمره سرمایه های خارجی " (در جمهورهای غیر روس اتحاد شوروی این ناسیونالیستها به طرفداران دفاع از امپراطوری که مسه

ناسیونالیستهای غیر روس - برنا هم : جسود - مختاری با استقلال ، دولت های دارای حاکمیت ملی که خواهان خارج شدن از اتحاد شوروی و طرفدار ایجاد یک فدراسیون جدید هستند . جنبشهای اصلی : در بسیاری از جمهورهای فدراتسو و مناطق خود مختار جنبشهای بقیه در صفحه ۱۰

کفرانس سران ناتو

البانی

سران ۱۴ کشور عضو ناتو روز پنجشنبه در لندن اجتماع کردند. این کفرانس سازماندهی جدید ناتو برای قرن بیستم و یکم را طراحی کرد. جرپوش باتاکیدرمیرجهاندا، دیکرانتوباداشتن بصورت سابق روبرویست، سلاحهای متعارف باید کاهش یابند، سلاح انی تپناهیمون آخرین ابزار مکار گرفته شود، کشورهای اروپایی از طریق کفرانس امنیت و همکاری مشترک اروپا (هلمسینگ) به همکاری اقدام کنند، نظریات خودرسان باره اعلام کرد. او همچنین از گیاهای دعوت کرده دیکر فرانس سران ناتو شرکت و سخنرانی کند. هلموت کول گفت نیروهای نظامی آلمان بعد از اتحاد دولتان کاهش خواهند یافت و قرارداد اتنی مستقر در آلمان در همین سال برپا می شود. اما کارگرت تاجر باتاکیدر ساخت و اهداف سابق ناتو، تاخشنودی خود از تغییرات مطرحه را اعلام کرد. علیرغمه تغییرات مطرح شده در این کفرانس، ناتو نشان داند که خواهان برپا شدن کامل پیمانهای نظامی و دادن پاسخ مناسب به درخواست پیمان ورشو نیست. امری که با روند کنونی تحولات در اروپا خواست مردم صلح دوست مطابقت ندارد.

روز ۲ ژوئیه هرروز تعدادی از مردم البانی به سفارتخانه های خارجی در تیرانه هجوم برده و برای گرفتن ویزاها ن خروج از آن کشور خود را بدخل کارتخانهها می رسانند ، تا روز ۶ ژوئیه این تعداد به ۸۰۰ نفر رسید. حکومت البانی از چندین هفته قبل اقدام به صدور گذرنامه و دادن اجازه خروج به مردم البانی کرده است و بناسه اظهارنامهات رسمی فراراست به همه مردم گذرنامه دادمشود. اما این اقدام دولت که به اینکار جبهه دیکر تانیک البانی متشکل از نیروهای حزب کمونیست و غیر حزبی ها، صورت میگردد، با مخالفت نیروهای دیون دولت و حزب روبرو بوده است از جمله بیه انو روجهه با این اقدامات و تغییر ساختار

عربستان سعودی

مرگ ۴۰ از اثر در مرگه

تول و فشار شدید جمعیت و وحشت و سراسیمگی عمومی آنها اتفاق افتاد. هرساله در مراسم حج بعثت از حجاج جمعیت صمات و تلفاتی بوجود میاید اما کشته شدن این تعداد از اثران طی چندین سال اخیر بی سابقه بوده است.

سوم ژوئیه ۱۴۰۰ نفر از اثران مرگ در حین انجام مراسم حج کشتند. این عده در مراسم موسوم به «معی بین منی و عرفات» که جمعیت انبوهی از اثران یک تول ۲ کیلومتری را طی میکنند قتل رسیدند. این واقعه بعد از زمین خوردن حدود هفت نفر از حجاجیان در این

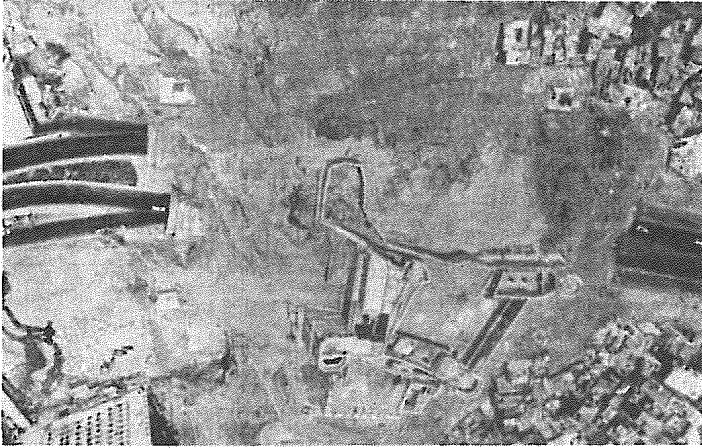
آفریقای جنوبی

اعتصاب سه میلیون کارگر

روز دوم ژوئیه از جانب کنگره ملی آفریقا و کواستو بک اعتصاب عمومی کارگری یکروزه در سراسر آفریقای جنوبی اعلام شد. این اعتصاب جهت اعتراض به کشتار تظاهرکنندگان در شهر «نانائو» صورت میگردد. رهبری کواستو بکنگره ملی آفریقا کشتند که این اعتصاب برای مقابله با اقدامات خشونت آمیز نیروهای امنیتی و افراد قبیله زولو برهبری «بوتلزی» علیه مبارزان ضد فاشیست پرستی است. مجمع کنگره ملی آفریقا تصمیم گرفت در صورت عدم خودداری دولت زولوها از اقدامات سرکوبگرانه علیه مردم، از ماه اگوست آینده یک سری اقدامات وسیع تودایی را سازمان دهد. در این اعتصاب یکروزه ۳ میلیون کارگر در سراسر آفریقای جنوبی با ستونیا، منطقه زولوها، شرکت دارند. نلسون ماندلا در پایان سفر تودایی خود در انگلیس با تاجر معاملات و ساعت مکاره تحریم دولت نژادپرست و جنگ مسلحانه از جانب کنگره ملی آفریقا تاسستیابی به اهداف خود اختلاف نظر داشتند.

استعفای رئیس جمهور بلغارستان

«پیترو ملانوف» رئیس جمهور بلغارستان از مقام خود استعفا داد. این واقعه دنبال چندین روز اعتراضی چند صد نفر از نیروهای اپوزیسیون کما هوایان استعفای رئیس جمهور بود. صورت گرفت. نیروهای اپوزیسیون بوسلستان دامن فعلی از برخورد نیروهای نظامی بلغارستان در سامرگشتن با اپوزیسیون کما هوایان «ملانوف» این عملیات را هدایت میکرد، اما همگرا در رئیس جمهور سرکوب مخالفان، خواستار استعفای او شدند. روز ژوئیه «ملانوف» اعلام کرد که برای جلوگیری از سخت شدن وضعیت کشور، از سمت خود استعفا میدهد. یکی از رهبران حزب سوسیالیست بلغارستان اعلام کرد که رئیس جمهور، دیکر نفوذ منمنی از بهراری اندام و طبقه خود را نداشت و تا قبل حزب حاکم (حزب کمونیست سابق) را براری استعفای رئیس جمهور نشان داد. قابل ذکر است که «پیترو ملانوف» که ۱۴ سال وزیر خارجه بلغارستان بوده تا ماه گذشته محوریتن سیاست خارجی این کشور بود. رهبران حزب سوسیالیست میگویند تلاش برای تسلیت محیط دیکر تانیک بلغارستان را حفظ کنند و استعفای رئیس جمهور در این راستاست.



تول کیلومتری نزدیک مکه که به تله مرگ زائرین تبدیل شد

در چه موم جنبشهای

ادما ز مفتح

آنرا میتوان هم در میان کمونیستهای «مورشی» زمانند بلتسین هم در میان جنبشهای کارگری و نیز ناسیونالیستهای افراطی راست باز یافت. ناسیونالیسم غیر روس، بشکل آشکاری علاوه بر ادهای ملی، طیف گسترده ای از گرایشهاست. مذهب را حول خود گرد آورده است. نقطه بندی سیاسی، شیروهای سوسیالیسم درستی و ناسیونالیستهای روس را در برابر اردوی طرفدار رفورم، بهم نزدیک ساخته است.

ناسیونالیستی با برعه وجود نهاده است. مهمترین آنها عمارتند از جبهه های خلستس استونی، لتونی، لیدوا و، آذربایجان، ارمنستان، همچنین ساجودیس لیتوانی و جنبش پان ملی ارمنی. جز سه جریان اصلی رفورمگرا، سوسیالیسم دولتی و ناسیونالیسم، در روسیه ناهمسند احما سات بوبولیستی ای هشتم، مضمون آن عدالت اجتماعی، مبارزه علیه فساد و مافیاست. کسه

"مهرداد کوکبی" کیست

دوستان گرامی "پیام کارگر" اخیراً یکی از پامال رژیم جمهوری اسلامی در انگلستان بنام "مهرداد کوکبی" بعثت فعالیت بر علیه "سلمان رشدی" توسط پلیس انگلیس دستگیر شده است. رژیم در مطبوعات خود سرو صدای زیادی در این باره به راه انداخته و سعی دارد مسئله را به این صورت جلوه دهد که این فرد صرفاً دانشجوی بوده و فعالیت فرهنگی در انگلستان داشته است. از آنجا که فرد مزبور در دستگیری و اعدام بسیاری از دانشجویان هموطنان نقش داشته است و مأموریت ضد انسانی خود را در انگلستان تحت پوشش "فعالیت فرهنگی" ادامه می‌دهد است، لازم می‌دانیم اطلاعات زیر را در مورد او در اختیار نیروهای انقلابی قرار دهیم.

"مهرداد کوکبی" از فارغ التحصیلان رشته نساجی دانشکده ملی تکنیک تهران است. وی در سال ۵۶ بعثت عضویت در حزب رستاخیز از کتابخانه صنفی دانشکده طرد شده و به فعالیت در مسجد دانشگاه پرداخته است. سپس به عضویت انجمن اسلامی دانشکده درآمده و بعد از انقلاب یکی از عناصر فعال انجمن اسلامی دانشکده بوده است.

بعجاز بسته شدن دانشگاهها و ممنوعیت فعالیت گروههای چپ در گروههای گشت سپاه پاسداران بسته "شکار" نیروهای انقلابی و بویژه دانشجویان چپ و مجا

– همبلی تکنیک تهران مشغول بوده است. وی که در پیکان سفیدی عمدتاً در خیابان آزادی تهران مأموریت داشته و عامل دستگیری، بازجویی، شکنجه و اعدام بسیاری از دانشجویان این دانشکده بوده است. از جمله رفیق عبدالله (اهل ارومیه) عضو شعبه دانشجویی "راه کارگر" که در سال ۶۰ توسط مهرداد کوکبی شناسایی و اعدام شده است.

مهرداد کوکبی که بعثت فعالیت تروریستی خود در دانشکده شناخته شده بود، سپس سمک زیم بسا بورسیه تحصیل در دکتری پلر از ایران خارج میشود. وی در سفر کوتاه خود در سال ۶۲ به ایران مجدداً بعجاز بازگشتی دانشکده به پلی تکنیک تهران مراجعه کرده تا تعداد باقیمانده از دانشجویان عضو ایوبیوس و شناخته شده را که از تور سپاه پاسداران در امان مانده بودند شناسایی کرده و تحویل دهد. وی از عوامل فعال رژیم است که بعثت شناخته شدن جنایتپاشی در محیط مجبور به تعویض محدوده فعالیت خود شده است.

از آنجا که پیونده شخصی مزبور در دادگاه انگلستان تحت بررسی است، بدینوسیله خبر فوق را جهت اطلاع دوستان سوسی در انگلستان لازم میدانیم.

چند تن از دانشجویان سابق پلی تکنیک تهران ۹۰/۶/۲۳

شب سعید سلطانیپور

در فرانکفورت



به مناسبت سالگرد شهادت سعید سلطانیپور عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران روز شنبه دوم تیر ماه مراسم بزرگداشتی برای "شهادت اهل قلم" در شهر فرانکفورت برگزار شد. کانسون نویسندگان ایران "ترتیب" این مراسم را با همکاری یک تشکل فرهنگی آلمانی و یک تشکل دانشجویی آلمانی برگزار نمود. مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت در سوگ قربانیان زلزله اخیر آغاز شد.

پس از خواندن پیام کانون نویسندگان ایران "ترتیب" و اجرای ۳ ترانه سرود ساخته سعید سلطانیپور، فیلم مستند شب بعجاز انقلاب، ساخته رضا علامه زاده نمایش گذاشته شد. نسیم خاکسار سعید یوسف و شفق، اعضای کانون نویسندگان در ترتیب، درباره سعید سلطانیپور سخنرانی کردند و در پایان پیرامون فعالیتها هنری و ادبی سعید سلطانیپور بحث و گفتگو شد.

یادی از میرزاده...

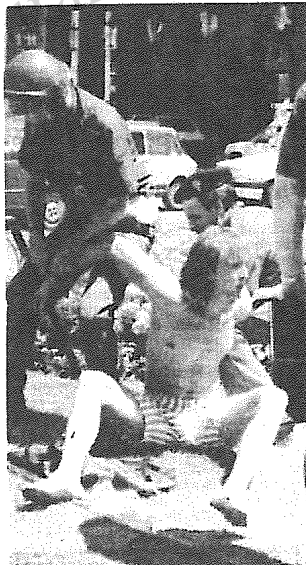
ادما ز منحه

اگرچه دیکتاتورهای اوردی و یگالی کشتند اول آرزوی شاعر برای انقلابی توندی، قهرآمیز و هائی بخش برآورده شد، اما او که مدخواست دیباچه انقلاب ادبیات باشد، امروز نیز زنده است. یارونه شهیدان به آن کتاب بلکه فصل بزرگی از آن است و باکشت او این کتاب هم چنان ورق خودو برآن فصل ها نوشتند و پس از او مناصل اول این کتاب بود.

بسیار از شعر، نیز شاعران را کشتند. لب های فرخی بردی را دو حوضد با شکمهای هولبار او را کشتند. سعید سلطانیپور راه صلح کشانیده و شاعر شورشی و شیدارا تریباران کردند، اما شاعران را مزاری نیست، چونان هزار هزار شهید خلق که مرزبان سمنهای تاشقان است و شمرشان زرمهای نمه شبان!

محمود ایرانی

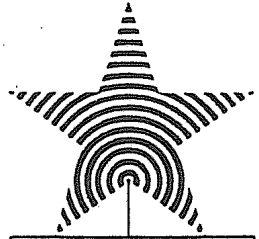
چهره زشت جام جهانی فوتبال



بعجاز بازیهای نیمه نهائی جام جهانی که در آن آلمان و آرژانتین به فینال رسیدند انگلیس و ایتالیا بازنده شدند چهره این جام با وقایعات اویاشگانه طرفداران این تیمها زشت شده و این بازیها از هدف اصلی خود دور شدند. فوتبال بعنوان یکی از پدیدههای فرهنگ انسانی که گسترده ترین نفوذ را دارد و میتوانیم آن را به رابطه قوی، همسانانها و وطن را بهم نزدیک کند، در سیستم جاری و کنونی سلط بر دنیا، به زشتترین وجهی مورد سواستفاده قرار میگیرد.

بعجاز بازی آلمان و انگلیس، موج زخوبوردی حمله طرفداران این دو تیم نه تنها شهروندان ایتالیا، محصل برگزاری مسابقه، که دوکتور منگور راهم فراگرفت. طی حمله اویاش انگلیس جنوب این کشور، یک مرد ۲۲ ساله انگلیسی کشته شد. ۱۵۰۰ دانشجوی آلمانی یک مدرسه زبان در برایتون انگلیس مورد حمله قرار گرفتند و استادان کلاسک نیروهای پلیس سختی جان بدر بردند. اوتوبیلیهای آلمانی ۲۹ شهر انگلیس که در آنجا ایلوایا بود، حمله فراگرفت. یک جوان آلمانی جنساعت قبل از مسابقه توسط چهار انگلیسی بخت زخمی شد. بعجاز این بازی انگلیس طرفداران تیم آلمان وسعت گرفت. در هامبورگ ۲۰۰ نفره طرف خرابان هان که محل تظاهرات نیروهای ضد حکومتی "انترنوم" بود حمله بردند تا تظاهرکنندگان را بکشد. روحیه زشت ناسیونالیستی و حمله به دیگران زمینه بهره برداری سرمایه داری هارشد نامت. در ایستگاه راه آهن تورتین بین انگلیس و ایتالیا بزرگوری شدید روی داده است. تنها یک کارکن از آویا توم فریست - ایتالیا با کوشی مجروح شد تا نام قتل ۲۱ ایتالیایی که در سال ۱۹۸۵ در بروکسل یک باز نهائی جام اروپایی "بیوتون تورتین" و "اف ست لیوول" اتفاق افتاد را انگلیس بکشد. این خوشبختی آفسار کجسته که نشانه پست ترین

رچوخم جنبشهای سیاسی



صدای کارگر
رادیوی سازمان کلنگران لنگری این روزه کاربرا

برنامه های سراسری صدای کارگر:

- هر شب ساعت ۸/۵ روی من کوتسناه
- ردیف ۷۵ متربا بر با ۴ مگهرت پخش میشود
- این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد
- جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود
- برنامه های صدای کارگر ویژه گریستان:
- پروژه های شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی من پخش میشود
- همین برنامه ویژه های یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد
- جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود
- این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر جمعه تکرار میشود

Postfach 650226

1 BERLIN 65

Postfach 1124

5200 Siegburg 1

W. Germany

شده، آنها در بین مهاجران در آلمان غربی و رادیو آزادی (مونسخ) دارای نفوذ هستند و امروزه از دمکراسی نوع غربی طرفداری می کنند

سویال دمکراتها - برنامه: با راکت به سنت متیوکی، رویای بسک مدل "سوشدی" - سازمانهای اصلی: مجمع سویال - دمکراتهای اوکل رمیا نشف، احزاب سویال دمکرات تاسیس شده در گرجستان و کشورای بالتیخه

دمکراتهای مسیحی - برنامه: دمکراسی، بازار، همبستگی، ارزشهای معنوی سازمانهای اصلی احزاب و اتحادیه های سویال مسیحی در روسیه، اوکراین، گرجستان و کشورهای بالتیخه

چی سویالیست - برنامه: آری به خودگردانی و دمکراسی، نه به لیبرالیسم توحشت - سازمانهای اصلی: کمیته سویالیستهای بقیه در صفحه ۸

لوموند دیپلماتیک
آوریل ۱۹۹۰

شمعیتها: با یگور کالمیا مکن، آندرانیک میکرانیان (آنها طرفدار کمی دارند، نقطه نظر آنها در میان تکنوکراسی غربگرا دارای نفوذ است)

جنبشهای دمکراتیک غیر رسمی - برنامه: دمکراسی، خوداداری، محیط زیست، بازار، حق ملل در تعیین سرنوشت، در عرصه احزاب: جبهه های خلق مسکو، لنیننگراد، بیاروسلا، جلیسا - سینک، اورال و... (این جنبشها در طی سه ماهه تحت مجمع بین منطقه ای سازمانها و جنبشهای دمکراتیک بهم پیوسته اند)

سیرها - اولویت محیط زیست، حمایت از فورم و همچنین از ناسیونالیسم سنتگرا در روسیه و جمهوریها با عضا آنها در میان جبهه های خلق دارای نفوذ هستند، زمین سازمانهای متعدد "سیر": اتحادیه محیط زیست، اتحادیه اجتماعی محیط زیست، انجمن بان سوشتیخ محیط زیست، کمیته نجات ولگا، ایپی سنتر (لنیننگراد)، احزاب سبز ارمنستان و جمهوری های بالتیخ، هتیش دهسته ای نوادا - مسیبا - لامینسک در کاراختان، اکولوگ (در قزلب - ستان)، مجمع دفاع از درباری آزال، دریاچه سوان (ارمنستان) و...

جنبشهای کارگری طرفدار رفورم - برنامه: خودمختاری و خوداداری، بنگاهها، سندیکالیسم مستقل، انصار حزب کمونیست در عرصه احزاب، اتحادیه بین منطقه ای کمیته های اعضاء: بکوزباس، دون باس، ورکونا، کارا - گاندنا (۵۰۰۰)، سندیکای (رسمی)، مجمع سندیکا - های سویالیست

جنبش "پادسود" - این مجمع که در سلسلات برتر افکندن سر زورهای استالینی جمع - آوری منابع برای ساختن بناها و موزه های یادبود قربانیان استالین است یکی از مراکز فعال در سیاسی ساختن فضا در سراسر کشور است

سازمانهای تندرو مدمکونیست - برنامه: تخاصم رژیمده علیه گریماچف، سایکسوت انتخابات، برنگونی (سالت آ میر) رژیم سازمانهای اصلی: اتحادیه دمکراتیک (مست) - گیری اما اسالیبرال، این اتحادیه همچنین در برگیرنده گریبات سویال - دمکرات "کونیستهای - دمکرات، آزادخواه است" مورتندهیائی که مدعی لیبرالیسم هستند، با برظهور مجدد یک حزب (مترظه خواه - دمکرات) دارند، آنها سر بابه گزیه های منزلت شیروندی شکل گرفته اند، اتحادیه مردمی کار که از وارشین سولید - ارتیشها، همکاران گذشته نارینبا تشکیل

توضیح:
در جم و خم جنبشهای سیاسی، نوشته ای است از ژان ماری شویه که در آن به اختصار به جریانات مهم سیاسی که در جریان کلانوسوت و سیاست دمکراتیزاسیون در شوروی بوجود آمده اشاره نموده است. شویه مولف کتابی است بنام "اتحاد شوروی: جامعه ای در حال حرکت" که توسط انتشارات آتس در سال ۱۹۸۸ بجا برسیده است. نوشته حاضر که در "لوموند دیپلماتیک" شماره آوریل ۱۹۹۰ بجا برسیده است، علیرغم تغییرات زیادی که در چند مدت اخیر در گروهیندهای سیاسی بوجود آمده و ارایین نظر بعضی از واقعیتهای جاری گروهیندهای را نشان نمیدهد، اما گماکان سلحاظ دارا بودن اطلاعات مفیدی در این باره واجد اهمیت است و بسنظر خوانندگان میرسد

نیروهای طرفدار رفورم

گروباچیها - برنامه: برای یک سویالیسم انسانی و دمکراتیک شخصیتها: میخائیل گریماچف، الکساندر نیرا کولف، آندره گراچف، لئونید آیلکین، نیکولای پتراکف، آیل آقا سبتیان، فئودور بورتانسکی، الکساندر بویسن وینائی کوروتیچ (این گروه رهبری کننده رفورماتور در حزب کمونیست است)

پلاتفرم دمکراتیک - برنامه: برادیکالیزه نمودن رفورمها، دمکراتیزه نمودن حزب کمونیست، رها کردن مارکسیسم لنینیسم، بنیادگذاری یک حزب جدید، شخصیتها: بوریس بلتسین، بوری آفاناسیف، آنا تولوی سوتیچاک (این "گرایشی" در داخل حزب کمونیست است که در ژانویه ۱۹۹۰ به ابتکار کلبوب "کونیستهای دمکرات" ایجاد شده است)

رفورماتوره های رادیکال - (گروه بین منطقه ای لنگره شما بستندگان خلق) برنامه: بازار، غربی، پارلمانی، سیاست نوین اجتماعی، سراسری: دمکراتیزاسیون نوع غربی ("غرب گریبان") شخصیتها: اقتصاددانان گاوریل بویوف، سنکلاهی شملیف (دارای لیبرالترین نرها)، خانسیم تاشیان (ارایلاسلکابا (استراتژی - ضماغعی بروسنریکا)) - آندره ساخارف عضو این گروه بوده (آنها تیرسون مسکو را اتحاد نموده اند که محل تلافی گریبات گوناگون دمکراتیک تبدیل شده است، این گروه از یک جریان کامیسیش لیسرال و یک جریان کامیسیش سویال - دمکرات تشکیل شده است)

رفورماتوره های استبدادگرا - برنامه: "سجده آهنین" (تقد: دیکتاتوری گریماچف) برای واقعیت وجودی بخشیدن به انتقال لیبرال.